

مسئله آینده سیاسی عراق و اثرات آن بر...

۷- برقراری حکومت ائتلافی دمکراتیک با مشارکت منصفانه گروههای مخالف رژیم بعثی عراق.

بدیهی ست در صورت تحقق الگوهای ۱، ۲ یا ۳، ساختار نظام سیاسی عراق با تغییرات نسبی ادامه خواهد یافت. یعنی اهل تسنن جایگاه سیاسی مسلط سنتی خود را حفظ خواهند کرد و در نتیجه تأثیر سیاسی چندانی بر ساختار کشورهای منطقه نخواهد داشت.

ولی تحقق الگوهای ۴، ۵، ۶ و ۷، بازتاب ژرفی بر کشورهای منطقه خواهد داشت.

البته در این مورد در برخی از کشورها که نظام قبیله‌ای و یا خانوادگی حاکم است، تلاش ویژه جهت مشارکت نسبی گروههای مردمی در اداره امور عمومی جامعه مطرح خواهد گردید.

به دیگر سخن، کوشش خواهد شد با تجدید ساختار سیاسی موجود، همسویی این جوامع با منطق دنیای امروزی فراهم گردد و در عین حال به کانون‌های محل رشد و خیزش حرکت‌های جهادگرا یا تروریستی پایان داده شود و مبنای مالی تغذیه آنها نیز تحت کنترل قرار گیرد. اما درباره دیگر کشورهای منطقه که مبنای اجتماعی و سیاسی متفاوتی دارند و زندگی یکصد سال گذشته آنها با خیزش‌های مردمی متعدد رقم خورده است، آمریکاییها برآنند که حکومت‌های این جوامع را بر سر دو راهی تصمیم‌گیری قرار دهند. بدین معنی که یا آنها تغییرات مسالمت‌آمیز داخلی را که خواست اکثریت مردم آنها بوده است و در انتخابات مکرر نشان داده شده است پذیرا شوند و یا آنها در مظان فشارهای متنوع جدید و قوی قرار خواهند گرفت. اشاره به این نکته در پیام بوش به کنگره آمریکا در رابطه با ایران کاملاً مشهود می‌باشد. افزون بر آن، ثبات سیاسی و اجتماعی این کشورها در استراتژی منطقه‌ای جدید، و فراتر از آن استراتژی کلان نگاه به خاور، امری ضروری تلقی شده است.

با تمام این احوال، باید اذعان نمود که سامان دهی سیاسی آینده عراق مسئله‌ای آسان نخواهد بود. از یک سو، گردهای شمال عراق از وضع موجود خود بسیار راضی هستند، زیرا نه تنها ۱۳ درصد از درآمد نفتی عراق به آنها تخصیص داده شده است، بلکه از طریق قاچاق نفت به ترکیه و قاچاق کالا به دیگر کشورهای همسایه، از درآمدهای درخورد توجه بهره‌مند هستند. بدیهی است انتظار آنها اینست که در قبال همکاریهای آنها، در نظام سیاسی آینده عراق جایگاهی فراتر از وضع موجود برای آنها در نظر گرفته شود و تحقق این مقصود را در برقراری نظام فدرالیسم دمکراتیک اعلام داشته‌اند. بدین ترتیب کردها اگر به موقعیتی برتر از شرایط موجود دست یابند، به هیچوجه با چیزی کمتر از وضع موجود رضایت نخواهند داد. از سوی دیگر، ترکیه نه تنها با

استقلال کردستان عراق بلکه با خودمختاری مطلق آنها نیز موافق نیست و شدیداً خواهان نوعی نظام اداره مشترک در شمال عراق است، و برای حصول این مقصود مدعی شده که موصل و کرکوک باید بعنوان مناطق ترکمن نشین تلقی شوند. در مقابل، کردها موصل و کرکوک را جزو جدانشدنی کردستان می‌دانند. حال ترکیه بر آن است با کاربرد اهرم موصل و کرکوک کردها را به پذیرش نظام اداره مشترک با ترکیه راضی نمایند و در عین حال در استفاده از منابع طبیعی منطقه نیز مشارکت داشته باشد. از سوی دیگر، شیعیان خواستار آنند که در نظام آینده عراق حضور و مشارکت مؤثر داشته باشند. در مقابل، برخی از همسایگان عراق چون ترکیه و عربستان سعودی با احراز جایگاه مسلط برای شیعیان بر اساس جمعیت و کمیت آنها موافق نیستند. بالاخره سنی‌ها خواهان آنند که نظام سیاسی سنتی که از زمان امپراتوری عثمانی تا زمان حاضر ادامه داشته، با تغییراتی نسبی کماکان رعایت گردد. با توجه به نگرشهای یاد شده، دوام و استمرار همکاری بین گروههای مختلف در نظام سیاسی آینده عراق در خور تردید می‌باشد. بعلاوه، در صورتیکه بحران عراق به بحران منطقه‌ای تبدیل شود، بدون شک سامان دهی داخلی عراق ممکن است با دشواریهای فزاینده تری روبرو شود. بدیهی است کشورهای منطقه باید بر آن باشند با ارزیابی درست از مقاصد جدید آمریکا، شرایط موجود منطقه و آینده عراق و پی آمدهای سیاسی آن، نه تنها خود را از اثرات منفی آن مصون و برکنار نگه دارند بلکه اندیشه کنند که چگونه می‌توانند با تغییرات به موقع از رویدادهای آتی به نفع منافع ملی خود بهره‌جویی نمایند. در این راستا، ترکیه با اتخاذ استراتژیهای چندگانه بر آن است که نه تنها در شمال عراق مقاصد خود را تأمین نماید، بلکه در نظام سیاسی آینده عراق نظرات آن دولت چون عدم تخصیص جایگاه مسلط برای شیعیان ملحوظ شود. افزون بر آن، ترکیه احتمال دارد به سبب همکاری با آمریکا پاداش‌های مالی قابل توجه بعنوان جبران زبان‌های وارده به کشورش بعثت بروز جنگ دریافت کند و بدین ترتیب بیش از پیش زمینه‌های همکاری با آمریکا را مستحکم تر ساخته و از آن در جهت تحقق هدفهای سیاسی مورد نظر در منطقه و خارج از منطقه بهره‌جویی نمایند. در مقابل، دولت‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران، که با تکیه بر استراتژی سنتی منفعلانه از درک منطق تحولات جدید غافل هستند، و به موقع تدابیر لازم جهت تغییرات داخلی از یک سو، و سیاست خارجی از سوی دیگر، اتخاذ نمی‌نمایند، نه تنها از تأثیرات پی آمدهای منفی تحولات مذکور مصون نخواهند بود، بلکه در قبال رویدادهای در پیش راه، جز ادامه سیاست‌های دوپهلوی و مبهم‌کاری از هر گونه دست‌آورد مثبت نخواهند داشت، که ادامه آن خلاف منافع ملی و باعث خطرات جدی برای حیات سیاسی و حتی یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور خواهد بود.

کارنامه مجلس

طی دو دهه اخیر بسیاری قانون‌هایی که غیر منطبق با شرایط زمانی و مکانی بوده‌اند بر جامعه ما تحمیل شد که اینک مجبور به اصلاح آنها هستیم. ولی متأسفانه قوه قضائیه کنونی خود را در جای قوه مقننه نشانده و با صدور پخشنامه و دستورهای توقف، کوشش در تصحیح اشتباهات گذشته دارد. این موضوع نیز بنوبه خود غیر منصفی و غیر اصولی است مسایل بیشتری را به دنبال دارد، که اگر بصورت رویه متداول در آید، قوه مقننه را باز هم ناتوان تر میکند، که اینهم خود سرچشمه سوء استفاده‌ها و فساد گسترده تر خواهد شد. تساوی دیه اقلیتهای دینی با مسلمانان و دستور توقف مجازات سنگسار از این دسته اصلاحات پخشنامه‌ای یا دستوری هستند. فراخوان مقاله و تشکیل همایش برای حل دشواریهای گوناگون جامعه بی تردید از دستاوردهای مثبت پس از انقلاب است که در این حد در تاریخ ایران سابقه نداشته است. امروز، خوشبختانه، شاهد برگزاری همایشهای گوناگون و فراهم‌آوری و ارائه مقالات فراوان هستیم. ولی معلوم نیست چرا حوزه‌های علمیه هنوز استقبال چندانی از این شیوه مرضیه‌مطلوب و راهگشا ننموده‌اند تا برای حل مسائل پیشماری که امروز در جامعه مطرح شده، دست به اقداماتی خداپسندانه بزنند. نگارنده در مقاله "حوزه و دانشگاه" مندرج در شماره ۱۰۵ پیام جبهه ملی ایران به هشت مورد از این دست اشاره کرده‌ام که جملگی بر ضرورت کاربردی کردن فقه قدیم در جامعه جدید حکایت میکنند.

امروز نیز برای یافتن محمل شرعی و خداپسندانه عمل سنگسار به قرآن کریم متوسل شدم. دیدم این واژه پنج بار به ترتیب در سوره کهف آیه ۲۰ و سوره مریم آیه ۴۶ و سوره شعرا آیه ۱۱۶ و سوره یس آیه ۱۸ و سوره دخان آیه ۲۰ بکار رفته، ولی نکته جالب توجه اینست که، از دیدگاه الهی، هر پنج بار عمل سنگسار حرکتی زشت و کراهت‌آمیز است که از ناحیه فرعون و یا کفار به منظور تهدید مومنین و موحدین طرح میشود. از آنجا که بنا به قول آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی در کتاب "آئین کشور داری از دیدگاه علی‌ع" برای روشن شدن صحت و سقم احادیث منقول فرموده‌اند: احادیث منقول را با قرآن مقابله کنید.

اگر مطابق قرآن باشد صحیح و گرنه جعلی و دست‌ساز است؛ نگارنده برای آنکه تحمیل عقیده خود بر قرآن نکرده باشد، بار دیگر به سراغ آیات الهی رفتم و این بار حکم مورد نظر را در سوره نور آیه ۲ یافتم. هر چند به قول حجت الاسلام سید حسن خمینی آن روز شلاق زدن قیدی به نام وهن دین نداشته است (نگاه کنید: روزنامه اطلاعات سوم آذر ۸۱ مقاله "امام و نگرشهای نو در فقه"). ولی معلوم نشد چرا آقایان علمای حاضر در شورای نگهبان که انس با قرآن دارند به این نکات توجه نفرمودند تا سر انجام پس از بیست سال از تصویب و اجرای قانون مجازات سنگسار مجبور شوند ابتدا برای بازرگان آلمانی که مرتکب چنین جرمی شده بود تبعیض قائل شده و سپس دستور توقف این قانون را از سوی رئیس قوه قضائیه صادر کنند.

صرف نظر از این که آیا قوه قضائیه با سوابق نه چندان درخشان اگر به تدریج اجازه الغاء قوانین را داشته باشد، در آینده چه نیک و بدی بر سر مردم و قوه مقننه خواهد آورد؟ آیا مردم حق ندارند شیوه قانونگذاری فعلی را به چالش کشیده و در یک همه‌پرسی به اصلاح آن همت گمارند؟

جناب آقای کروبی: ارزیابی عملکرد شورای نگهبان که متأسفانه با مخالفت شما روبرو شد، می‌توانست نقطه آغازی برای اصلاح شیوه قانون گذاری در ایران باشد. البته که اجرای تبعیض‌آمیز بسیاری از قانون‌های کنونی جز به کمک شکنجه مقدور نیست، و اگر می‌بینیم شورای نگهبان برای سومین بار قانون منع شکنجه را که در قانون اساسی نیز به صراحت ممنوعیت آن بیان شده به استناد مغایرت با آیین نامه سازمان زندان‌ها عودت می‌دهد و اضافه می‌کند که موضوع از نظر شرعی بعداً بررسی و اعلام خواهد شد. یعنی ایها الناس، به چه زبان بگوییم که بدون شکنجه نمی‌توان به این سبک حکومت ادامه داد. اینک سه سال از عمر چهارساله مجلس ششم طی شده است و علیرغم شور و هیجانی که مردم به اجرای اصلاحات داشتند و به خصوص امیدهای که به این مجلس بسته بودند متأسفانه موفقیتی حاصل نشد است. اینک، در آغاز آخرین سال فعالیت مجلس ششم، یادآوری می‌کنیم که مجلس ششم چه بخواهد و چه نخواهد کارنامه‌ای دارد که در تاریخ باقی خواهد ماند. بویژه شما جناب آقای کروبی، در این سال آخر نگذارید مهر مردود بر آن حک شود.

هرمز میزری